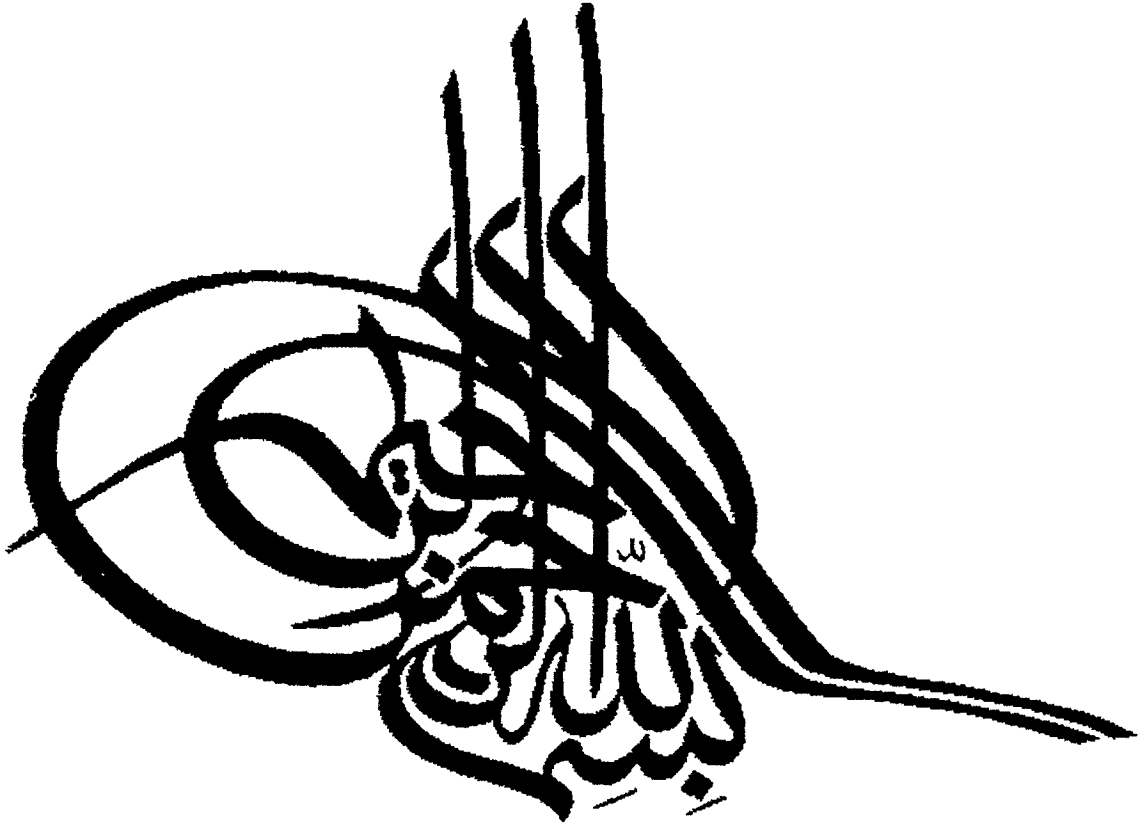


$\frac{17,1,1000\checkmark}{17,10,11}$



108197



دانشگاه شهید بهشتی

دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

پایان نامه کارشناسی ارشد آموزش بزرگسالان

عنوان

موانع بین المللی سازی برنامه های درسی آموزش عالی از دیدگاه اعضای هیأت علمی  
دانشگاه شهید بهشتی

استاد راهنما:

دکتر کورش فتحی واجارگاه

استاد مشاور:

دکتر محمد یمنی

پژوهشگر:

عذرا زارع

۱۳۸۷

۱۰۷۱۹۶

کتابخانه  
دانشگاه شهید بهشتی  
تهران

۱۳۸۷ / ۱۰ / ۵

نمی خواهم چنان بی نیاز باشم  
که تصور کنم خود به تنهایی می توانم راه پیش ببرم،

یا چنان آزاد که نیازی نداشته باشم

تا زندگی را با دیگری تقسیم کنم

و نمی خواهم بر خود چنان مسلط باشم،

که نگویم خواهان شمایم

نیازمند شمایم

و همیشه دوستت دارم

مادر عزیزم

با کمال ادب از زحمات بی شائبه اساتید گرانقدر

جناب آقای دکتر فتحی

که به حق یک راهنما در تمام لحظات بوده اند.

جناب آقای دکتر یمنی

که در طول سالهای تحصیل همیشه اسوه مهربانی، مشاوره و سنگ صبور بوده اند،

همچنین از

سرکار خانم دکتر عارفی و جناب آقای دکتر قهرمانی

که با داوری ارزشمند خود در این پژوهش همراه ما بودند تشکر و قدردانی می نمایم.

همچنین از زحمات و تلاشهای دلسوزانه دوستان فرهیخته ام خانمها: زهراعلی آبادی، مرضیه

سرمدی، ویدا ابراهیمی، سمانه فلاح کاظمی، لیلاکرمیانی، سودابه حسن زاده، رقیه بابالویان، لیلا

زارعان، سمیه خداحمی و آقایان، اکبر جمالی، دکتر محمد جواد زارع و فرزاد بادمستی کمال

تشکر را دارم.

چکیده:

هدف پژوهش حاضر بررسی موانع بین المللی سازی برنامه های درسی آموزش عالی از دیدگاه اعضای هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی است. نوع پژوهش به روش توصیفی پیمایشی اجرا شد. جامعه آماری پژوهش را ۶۴۱ نفر از اعضای هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی تشکیل می داد که از این تعداد ۲۰۰ نفر به روش نمونه گیری طبقه ای تصادفی انتخاب شدند. ابزار تحقیق پرسشنامه محقق ساخته بود که در ۴۷ گویه طراحی گردید. برای تعیین روایی و پایایی پرسشنامه به ترتیب از نظر متخصصان و ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. به منظور تجزیه و تحلیل داده ها از شاخص های آمار توصیفی از روش آمار استنباطی، آزمون تی مستقل، آزمون تی تک نمونه ای، تحلیل واریانس یک راهه و آزمون فریدمن استفاده شده است. نتایج نشان داد عوامل فرهنگی، انسانی، ساختاری، سیاسی، مالی، تجهیزاتی، روشهای تدریس و محتوا به عنوان موانع بین المللی سازی برنامه های درسی در آموزش عالی می باشند.

## عنوان

## صفحه

فهرست مطالب .....	
فهرست جدولها .....	
فهرست نمودارها .....	

### فصل اول : معرفی پژوهش

مقدمه .....	۱
بیان مسئله .....	۲
ضرورت و اهمیت تحقیق .....	۳
اهداف تحقیق .....	۴
سئوالات پژوهش .....	۵
تعریف عملیاتی متغیرها .....	۵

### فصل دوم: ادبیات و پیشینه پژوهش

مقدمه .....	۸
اهداف و رسالت‌های آموزش عالی .....	۹
رسالت‌های آموزش عالی در قرن حاضر .....	۹
جهانی شدن .....	۱۱
معایب و مزایای جهانی شدن .....	۱۱
جهانی شدن آموزش عالی .....	۱۳
جوانب تاریخی بین‌المللی سازی آموزش عالی .....	۱۶

۱۸.....	بین المللی سازی آموزش عالی
۲۲.....	دلایل بین المللی سازی
۲۳.....	منافع بین المللی سازی
۲۵.....	بین المللی سازی برنامه درسی
۳۰.....	سیاست IOC
۳۱.....	اهداف برنامه درسی بین المللی
۳۲.....	رویکردهای تئوریک به IOC
۳۴.....	فعالیت‌های Ioc
۳۷.....	نقش فرهنگ در بین المللی کردن برنامه درسی
۳۸.....	مدلهای بین المللی کردن
۴۲.....	اهمیت فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش
۴۴.....	اینترنت و فواید استفاده از آن
۴۵.....	آموزش مبتنی بر اینترنت
۴۵.....	موانع بین المللی شدن آموزش عالی
۵۳.....	راهکارهای بین المللی کردن برنامه های درسی در آموزش عالی
۵۵.....	پیشینه پژوهش
۶۰.....	نتیجه گیری از مبانی نظری و پیشینه پژوهش

## فصل سوم: روش پژوهش

مقدمه	۶۳
روش تحقیق	۶۳
جامعه آماری	۶۳
نمونه	۶۳
روایی و پایایی پرسشنامه	۶۵
روایی	۶۵
پایایی	۶۵
روش تجزیه و تحلیل اطلاعات	۶۵

## فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش

مقدمه	۶۷
بخش اول: توصیف اطلاعات	۶۷
بخش دوم: بررسی سئوالهای تحقیق	۷۴
بخش سوم: رتبه بندی گویه های منغیرهای تحقیق	۸۸

## فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری

خلاصه یافته های پژوهش	۹۳
پیشنهادات تحقیق	۱۰۵
محدودیتها	۱۰۶
منابع	.....
پرسشنامه	.....



فصل اول:

کلیات تحقیق

## مقدمه

امروزه برنامه درسی به عنوان یکی از حوزه های شاخص در میان حوزه های وابسته به دانش تعلیم و تربیت شناخته شده است. هر چند شوآب در سال ۱۹۶۹ حوزه برنامه درسی را به عنوان یک حوزه معرفتی در حال احتضار معرفی نمود اما تلاشهای وسیع و سازمان یافته ای که امروزه معطوف به این حوزه تخصصی شد و همچنین حضور چشمگیر متفکران و صاحب نظران برنامه درسی را در عرصه های گوناگون تعلیم و تربیت باید به عنوان شاهدهی برای ادامه فعالانه این رشته دانسته و چنین نتیجه گیری نمود که به دلیل اهمیت و حساسیت برنامه های درسی در نظامهای تعلیم و تربیت نه دست اندرکاران علمی، و نه نظریه پردازان، قادر به رها ساختن خود از نگرانیها، تمایلات و علایق ناظر بر بهبود کیفیت برنامه های درسی نمی باشد. (مهر محمدی، ۱۳۷۲، ص ۹۷).

به قول پیتراسکات<sup>۱</sup>، توسعه روزافزون فناوری اطلاعات و ارتباطات و برقراری تله کنفرانسهای بین قاره ای و ماهیت دانش به طور کلی نمایانگر این نکته اساسی هستند که علم و تخصص حد و مرزی نمی شناسد و در نتیجه دانشگاهها به طور اجتناب ناپذیر موسسات بین المللی محسوب می گردند (عارفی، ۱۳۸۴، ص ۱۶۸).

بین المللی سازی وقتی در عرصه آموزش عالی به کار می رود معمولاً به عنوان یکپارچگی محتوا، دیدگاه و یا فعالیت در میان رشته های علمی، برنامه درسی و یا برنامه های مطالعه درک می شود. (رحمتی، ۱۳۸۲، ص ۸۵)

امروزه از مهمترین اهداف دانشگاه ها بین المللی سازی برنامه درسی می باشد از دیدگاه بعضی از صاحب نظران اصلی ترین عنصر بین المللی سازی دانشگاه ها برنامه درسی است. دانشکده به عنوان مهمترین رکن در اصلاح برنامه، تجدید نظر در برنامه ها و بهبود آموزش در آنها، اصولاً به عنوان محرک اصلی تلاشها در زمینه بین المللی سازی تدریس شناسایی شده است (Navarro, ۲۰۰۴, p.۳).

دلایل گوناگونی برای بین المللی سازی آموزش عالی وجود دارد این دلایل شامل مهارتهای حرفه ای، علمی، میان فرهنگی، اجتماعی، چند زبانی می شود. در کشورهای توسعه یافته حفظ برتری سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و علمی از جمله دلایل عمده برای بین المللی سازی آموزش عالی بوده است بعد از جنگ جهانی دوم دلایل سیاسی در پیشگامی بین المللی سازی آموزش عالی مسلط شد اما بعد از پایان جنگ سرد این تاکید از سیاست به اقتصاد تغییر کرد (De Wit, ۱۹۹۹, p.۱).

دانشگاه ها برای رشد و حمایت از یک برنامه درسی بین المللی، استفاده از منابع غنی در دسترس دانشگاه ها مانند دانشجویان خارجی، دانشکده بین المللی و ایجاد یک محیط یادگیری مطلوب برای آموزش شهروندانی جهانی در تلاش هستند.

---

۱ Scott

## بیان مساله:

یکی از عناصر یا خرده نظامهای اصلی آموزش عالی برنامه های درسی است. برنامه های درسی نمی توانند در طی زمان به طور ایستا و یکنواخت باقی بمانند زیرا روند طبیعی جامعه در هر زمان اندیشه های جدیدی طلب می کند. در چنین شرایطی برنامه های درسی نباید به حالت رکود باقی بمانند بلکه باید هر لحظه خود را با خواسته های دنیای نو تطبیق دهند. (فرجاد، ۱۳۷۴، ص ۳۰).

برنامه های درسی از مهمترین ابزار و عناصر تحقق بخشیدن به اهداف و رسالت های کلی آموزش عالی هستند و طبیعتاً همراه با تغییر محورهای اصلی مورد توجه آموزش عالی و دانشگاه ها، آنها نیز بایستی از تغییرات لازم برخوردار باشند (عارفی، ۱۳۸۴، صص ۱۴۲ و ۱۴۱).

فرایند بین المللی کردن برنامه درسی دانشکده می باشد. ارائه دوره ها و دروس و تجربی که در اختیار دانشجویان قرار داده می شود به منظور آماده کردن شایستگی های جهانی دانشجویان می باشد. دانشکده ها از سال ۱۹۹۲ به این امر پرداختند، زمانی که دانشگاه های آفریقا، آسیا، اروپا و آمریکای لاتین متعهد شدند که مطالعاتی را برای فرایند بین المللی کردن برنامه درسی آغاز کنند. (Bank, ۲۰۰۵, p.۱)

بین المللی کردن دانشگاه و گسترش مرزهای آن در کشورهای دیگر یکی از سیاست های کلان دانشگاه های مهم اروپایی و آمریکای شمالی بوده است. (یمنی، ۱۳۸۲، ص ۴۱)

امروزه همکاری های بین المللی به عنوان یک مولفه مهم برای بین المللی کردن برنامه درسی به رسمیت شناخته شده است. در آمریکا و فرانسه و سایر کشورهای پیشرفته، آخرین یافته ها و پدیده های علمی در برنامه های درسی جای داده شده اند که در برنامه های دانشگاهی نیز راه پیدا کرده اند که هم تحولی در محتوا و هم در شیوه های تدریس پدید آورده است. (فرجاد، ۱۳۸۱، صص ۲۴-۲۵).

دانشگاه های امروز، دست به ابتکاراتی می زنند تا به بخشهای آموزش خود امکان دسترسی به بازارهای بین المللی آموزش عالی را بدهند. و برای این منظور از راه جذب دانشجویان خارجی، تاسیس دوره ها و دانشگاه های مجازی، اعزام دانشجویان به کشورهای دیگر، تاسیس شعبه های دانشگاهی در سراسر دنیا، برگزاری دوره های مشترک دو و چند جانبه بین دانشگاه های یک کشور و بین دانشگاه های کشورهای مختلف، تعامل و تبادلات علمی - پژوهشی و فرهنگی با کشورهای مختلف وارد عمل می شوند (وحدت و زیاری، ۱۳۸۱، ص ۳۸۱)

آموزش عالی در کشورهای در حال رشد، دولتی است و کاملاً جزو مسئولیت های دولت شناخته می شوند. مدیریت، جذب و به کارگیری مدرسان، تجهیزات، آزمایشگاه، بورس و ... بنابراین بحران دولت - اعم از بحران اقتدار، مشروعیت بخشی و هویت

آنها- به صورت شانه خالی کردن دولت از زیر بار تعهد در برابر دانشگاه ها، به ویژه تامین اعتبارات لازم برای دانشگاه بروز کرده است(رحمتی، ۱۳۸۲، ص ۶۹).

آنچه که باید مورد توجه قرار گیرد این است که در دوران جهانی شدن و تلقی دنیا به عنوان یک دهکده جهانی و نیز تلقی کلیه افراد در سطح جهان به عنوان شهروند جهانی و مخاطب دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی، چرا دانشگاه های ما در ایران از این قافله عقب هستند؟ چرا برنامه های درسی آموزش عالی با نوآوریهای علمی و تکنولوژی در جهان هماهنگی ندارد؟ چرا محتوای دروس این رشته به روز و همگام به سوی مرزهای جهانی علم نیست؟ با توجه به اینکه نقش زبان و کامپیوتر در انتقال اطلاعات و روزآمد شدن برنامه های درسی با توجه به تحولات دانش بشری و هماهنگی با تحولات علمی روز موثر است چرا وضعیت آن در دانشگاه های ایران مطلوب و رضایت بخش نیست؟

فهم این نکته مهم است که بحرانی ترین چالش پیش روی بیشتر نهادهای آموزش عالی، ایجاد ظرفیتهایی برای پذیرش تحول و تغییر است باید موانعی را که آموزش عالی از پاسخگویی به نیازهای جوامع به سرعت در حال تغییر باز می دارند برطرف کرد. فرایندهای اداری غیر ضروری را بر چید و چارچوبهای مصنوعی و ترتیبات موجود را مورد سوال قرار داد. با توجه به مباحث فوق، مساله این پژوهش، بررسی موانع بین المللی سازی آموزش عالی از دیدگاه اعضاء هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی می باشد.

#### ضرورت انجام پژوهش:

هم زمان با ظهور پدیده جهانی شدن و همکاریهای بین المللی، دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی به عنوان نهادهایی برای حذف فاصله دانش و فناوری و نیز تقویت مبادلات علمی، آموزشی و فرهنگی میان ملل و فرهنگها از جایگاه مطلوبی برخوردار شدند. (شرقی، ۱۳۸۳، ص ۱۸۶)

از سالهای گذشته بین المللی سازی مورد توجه کشورها بوده است. این موضوع موجب شده تا دانشگاه ها دوره های خاصی را در برنامه های درسی خود اتخاذ کنند (Meyer, ۱۹۹۹, p.۵). برنامه های درسی از مهم ترین ابزار و عناصر تحقق بخشیدن به اهداف و رسالتهای کلی آموزش عالی هستند. از این رو برنامه های درسی که قلب مراکز دانشگاهی به شمار می آید، آینه نقشها و اهداف آموزش عالی به شیوه ای بسیار دقیق می باشد (Altabach, ۱۹۹۹, p.۶۷).

برای بین المللی کردن برنامه درسی در آموزش عالی توجه به نکات زیر ضروری است.

- تلاش در جهت توسعه برنامه های درسی به نحوی که ضرورتهای محلی، ملی و بین المللی را تأمین کند. (کریمی، ۱۳۸۲، ص ۲۵).

- توجه به اهمیت فزاینده ارتباطات، بیان و گفتمان به یک یا چند زبان زنده خارجی (کریمی، ۱۳۸۲، ص ۲۵).

- تضعیف قالبهای سیاست ملی برای قانونگذاری که دانشگاه ها گرفتار آن هستند(رحمتی، ۱۳۸۲، ص ۴۲).

- تأمین منابع مورد نیاز(کریمی، ۱۳۸۲، ص ۲۵).

- توجه بیشتر به مفهوم ثبت نام در آموزش فراملی(چند ملیتی) در برنامه های درسی و فرایندهای تدریس و یادگیری (De Wit, ۲۰۰۱, p, ۶).

- قرار دادن دانشجویان وطنی در کنار خارجی ها و تشویق رویکرد اجتماعی به زندگی مشترک. (Ltsn ۲۰۰۲. PP. ۳-۴)

- جذب دانشجویان بین المللی در پردیس ها و برنامه های دوره کارشناسی و تحصیلات تکمیلی که می تواند اشکال متعدد داشته باشد. (عارفی، ۱۳۸۴، ص ۱۷۱ )

نایت و دی وایت<sup>۱</sup> معتقدند که عمده ترین دلیل بین المللی کردن دانشگاه ها افزایش آگاهی دانشجویان نسبت به فرهنگ و ارزشهای بین المللی و توسعه مهارتهای آنها می باشد و ترویج پژوهشی که وابستگی متقابل فرهنگی، محیطی و سیاسی را در میان ملتها نشان می دهد. و اجتناب از محدودیت در افکار و عقاید و برانگیختن تفکر انتقادی و پژوهش درباره پیچیدگی موضوعات و گرایش هایی که به روابط میان ملتها، مناطق و علایق گروه ها مربوط می شو د (Djanaeva, pp. ۲-۳).

#### اهداف اصلی تحقیق:

۱- شناسایی موانع بین المللی کردن برنامه درسی آموزش عالی

۲- ارائه پیشنهاداتی به منظور از بین بردن موانع بین المللی کردن برنامه درسی

#### اهداف فرعی تحقیق:

۱- شناسایی موانع فرهنگی بین المللی کردن برنامه های درسی در دانشگاه شهید بهشتی

۲- شناسایی موانع مربوط به روش تدریس در بین المللی کردن برنامه های درسی در دانشگاه شهید بهشتی

۳- شناسایی موانع مالی بین المللی کردن برنامه های درسی در دانشگاه شهید بهشتی.

۴- شناسایی موانع مربوط به محتوای بین المللی کردن برنامه های درسی در دانشگاه شهید بهشتی

۵- شناسایی موانع انسانی بین المللی کردن برنامه های درسی در دانشگاه شهید بهشتی

۶- شناسایی موانع تجهیزاتی بین المللی کردن برنامه های درسی در دانشگاه شهید بهشتی

۷- شناسایی موانع ساختاری بین المللی کردن برنامه های درسی در دانشگاه شهید بهشتی

۸- شناسایی موانع سیاسی بین المللی کردن برنامه های درسی در دانشگاه شهید بهشتی

<sup>۱</sup> Knight and de wit(۱۹۹۵)

### سوالات اصلی تحقیق:

- ۱- موانع بین المللی کردن برنامه های درسی در آموزش عالی کدامند؟
- ۲- راهکارهای موثر به منظور از بین بردن موانع بین المللی کردن برنامه های درسی کدامند؟

### سوالات فرعی تحقیق:

- ۱ موانع فرهنگی بین المللی کردن برنامه های درسی در دانشگاه شهید بهشتی کدامند؟
- ۲- موانع مربوط به روش تدریس در بین المللی کردن برنامه های درسی در دانشگاه شهید بهشتی کدامند؟
- ۳- موانع مالی بین المللی کردن برنامه های درسی در دانشگاه شهید بهشتی. کدامند؟
- ۴- موانع مربوط به محتوای بین المللی کردن برنامه های درسی در دانشگاه شهید بهشتی کدامند؟
- ۵- موانع انسانی بین المللی کردن برنامه های درسی در دانشگاه شهید بهشتی کدامند؟
- ۶- موانع تجهیزاتی بین المللی کردن برنامه های درسی در دانشگاه شهید بهشتی کدامند؟
- ۷- موانع ساختاری بین المللی کردن برنامه های درسی در دانشگاه شهید بهشتی کدامند؟
- ۸ - موانع سیاسی بر بین المللی کردن برنامه های درسی در دانشگاه شهید بهشتی کدامند؟

### تعریف متغیرهای تحقیق:

#### بین المللی کردن برنامه درسی:

به معنای تلاش برای دادن وجه ای بین المللی به برنامه های درسی سازمانها و نهادهای آموزشی. این برداشت به طور ویژه در سطح نظام آموزش عالی در دانشگاه های کشورهای پیشرفته در سطح جهان رایج و متداول است و به طور کلی ادبیات و جایگاه خاصی در بین کشورهای آمریکا، انگلستان، کانادا، استرالیا و مانند آنها دارد(فتحی، ۱۳۸۶، ص ۱۷۴). در این پژوهش منظور از بین المللی کردن برنامه درسی عبارت است از دادن وجهه بین المللی به برنامه های درسی دانشگاه ها از طریق مواردی چون پذیرش دانشجوی خارجی، ارائه دروس آن در سطح بین المللی، برگزاری دوره های مشترک با سایر دانشگاه های دنیا، اجرای برنامه های درسی در سایر ممالک از طریق تاسیس شعب و غیره می باشد.

**موانع فرهنگی:** آن دسته از عواملی که برای پیش راندن و گسترش مرزهای دانش، معرفت، فن، هنر و برای ساختن اجتماعی توأم با فرهنگی غنی مانع ایجاد کند. در این تحقیق منظور از موانع فرهنگی ندادن اختیارات لازم به گروه آموزشی در زمینه تبادلات دانشجویی با سایر کشورها، فقدان برگزاری نمایشگاه جهت معرفی و شناسایی سایر فرهنگها، فقدان برگزاری سخنرانیهای بین المللی، نامناسب بودن برنامه های درسی در افزایش آگاهی دانشجویان نسبت به توسعه و نشر ارزشها در

سطوح ملی، منطقه ای و بین المللی، عدم توجه گروه آموزشی در ایجاد زمینه فرهنگی مناسبی برای بین المللی کردن برنامه درسی می باشد.

**موانع مرتبط با روش تدریس:** استفاده از روشهای تدریس سنتی که در آن اغلب دانشجو منفعل و استاد فعال است. در این تحقیق منظور از موانع مرتبط با روش تدریس فقدان آموزش از راه دور، فقدان برگزاری سمینارهای الکترونیکی، فقدان آموزش مشارکتی با سایر کشورها و فقدان آموزش به صورت آن لاین می باشد.

**موانع مالی (بودجه و اعتبارات):** در این تحقیق منظور از موانع مالی نبود یا کمبود اعتبارات و بودجه کافی جهت تهیه تجهیزات و امکانات سخت افزاری و نرم افزاری و فضای آموزشی لازم برای تغییر برنامه درسی و تبادل دانشجو با تعداد محدودی از کشورها می باشد.

**موانع مرتبط با محتوا:** تاثیراتی که بین المللی شدن آموزش عالی در عنصر محتوای برنامه های درسی در وضع موجود داشته است و در وضع مطلوب خواهد گذاشت. در این تحقیق منظور از موانع محتوایی به روز نبودن محتوای دروس با تحولات جهانی، عدم توجه به رشته های جدید، عدم توجه به ارائه محتوا به صورت آن لاین و عدم توجه به مسائل جهانی (محیط زیست، صلح، مبارزه با فقر و بیکاری) از طریق استفاده از رویکرد تلفیقی بین رشته ای در سازماندهی محتوا می باشد.

**موانع انسانی:** به روز نبودن اطلاعات اعضاء هیات علمی، تدریس دروس خارج از تخصص اعضاء هیات علمی، عدم اطلاع، پیگیری آنان از تحولات آموزشی پیش آمده در دانشگاه های معتبر دنیا، عدم تسلط به زبان انگلیسی، عدم بهره گیری از بررسیهای کارشناسی و پژوهشی در خصوص بین المللی کردن برنامه درسی، بازنگشتن افراد بورسیه به داخل کشور، دعوت نکردن از اساتید و متخصصان خارجی و حضور آنها در دانشگاه ها جهت ارائه آموزش های کوتاه مدت و بلند مدت به دانشجویان داخلی، عدم حضور دانشجویان ایرانی در دانشگاه های خارج از کشور برای گذراندن دوره های کوتاه کارآموزی، عدم شرکت دانشجویان در پروژه های تحقیقاتی بین المللی، عدم عضویت دانشجویان در مجامع و انجمن های بین المللی و در دسترس نبودن فرصت های لازم برای اساتید می باشد.

**موانع تجهیزاتی (فنی):** منظور از موانع فنی عدم وجود فرهنگ استفاده کافی از فناوریهای جدید در دانشگاه ها، نبود انعطاف در نظام های آموزش عالی جهت واکنش مناسب به نیازهای در حال تحول دنیای علم و فناوری، عدم استفاده از شبکه های الکترونیکی و سالنهای مباحثه اینترنتی.

**موانع ساختاری:** آن دسته از عواملی که مربوط به مسائل داخلی دانشگاه و دانشکده ها هست. سیاستگذارهای درون دانشگاه، نوع مدیریت دانشگاه، فرهنگ و جو حاکم بر دانشگاه، بوروکراسی دست و پاگیر و طولانی بودن فرایند تصویب طرح ها توسط وزارت علوم، میزان اختیارات واگذار شده به گروه های آموزشی از طرف دانشگاه، ضعف و نارسایی نظام اطلاعاتی.

**موانع سیاسی:** قوانین ومقررات حاکم بر دانشگاه و سیاستهای دولت که بر دانشگاه اعمال می شود. در این تحقیق منظور از موانع سیاسی نحوه ارتباط و تعاملات سیاسیمان با کشورهای منطقه و با سایر کشورهای جهان، مشکل خروج دانشجویان از کشور و گرفتن ویزا، نظام مدیریتی کشور، شورای گسترش آموزش عالی، هیات امنای مرکزی، شورای عالی برنامه ریزی آموزشی، قوانین و مقررات حاکم بر دانشگاه، وزارت علوم تحقیقات و فناوری و شورای عالی انقلاب فرهنگی می باشد.



## فصل دوم

### ادبیات و پیشینه تحقیق

## مقدمه:

آموزش عالی شامل آموزش، تربیت و روش تحقیق در سطح عالی می باشد که توسط دانشگاهها و موسسات آموزش عالی ارائه می گردند (world conference on higher education, ۲۰۰۳, p.۱). و در واقع آموزش عالی، نقش اصلی و مرکزی را در ایجاد تواناییهای فکری که اساس تولید و کشف دانش است، همچنین در ارتقاء و ترویج کارهای آموزشی مداوم که برای روز آمد کردن معلومات و توانایی ها ضروریست، ایفاء می کند. (گزارش بانگ جهانی، آموزش عالی: چالشهای جدید، مه ۲۰۰۲)

مراکز آموزش عالی همچون دانشگاه ها را یکی از منابع اصلی تولید دانش، وسیله انتقال تجارب فرهنگی و علمی انسانها، پرورش دهنده و تحویل دهنده رهبران فکری، سیاسی و مدیران و معلمان فردا به جامعه و مکانهایی مناسب برای مباحثه و مذاکره در جهت حل مسائل علمی، اجتماعی و ایجاد اصلاحات و ابزارهایی سودمند برای پرورش خلاقیت و ارائه نوآوریها و تبادل اطلاعات و همکاریهای بین المللی در رابطه با تحقیقات و توسعه تکنولوژیکی دانست. (دفتر همکاریهای علمی - بین المللی، ۱۳۷۶، صص ۱۴۸-۱۴۴).

آموزش عالی اولین نیرو و در عین حال یکی از نیروهای پیش برنده اقتصادی و نقطه کانون یادگیری در جامعه است. آموزش عالی هم منبع و هم بوجود آورنده دانش است. به علاوه وسیله اصلی انتقال تجربه های فرهنگی و علمی انباشته انسانها نیز تلقی می شود و در دنیایی که منابع دانش به طور فزاینده ای بر منابع مادی به عنوان عامل توسعه تسلط پیدا می کنند، اهمیت آموزش عالی و موسسات آموزش عالی هر چه بیشتر نمایان می شود (دفتر همکاریهای علمی و بین المللی، ۱۳۷۶، ص ۱۴۴).

بنا براین می توان یکی از عناصر اساسی و کلیدی و تعیین کننده موفقیت آمیز ملل دنیا را آموزش و پرورش آنها به ویژه آموزش عالی دانست؛ چرا که آنان نقش بسیار مهمی در گسترش مرزهای دانش دارند. (Mayor, ۱۹۹۸, P.۲۴)

موسسات آموزش عالی از جمله دانشگاهها با تاثیر از شرایط خاص جهانی شدن دوران صنعتی دچار دگرگونیهای اساسی شده اند و جنبه علمی دانشگاهها با توجه به نیاز به گرایشهای روز تقویت گردیده است. همچنین در رابطه با جهت گیریها و کم و کیف برنامه های درسی دانشگاهها تحولاتی رخ داده است (راسخ، ۱۳۵۰، ص ۱۴). به قول پیتر اسکات، توسعه روزافزون فناوری اطلاعات و ارتباطات و برقراری تله کنفرانسهای بین قاره ای و ماهیت دانش به طور کلی نمایانگر این نکته اساسی هستند که علم و تخصص حد و مرزی نمی شناسد و در نتیجه دانشگاهها به طور اجتناب ناپذیر موسسات بین المللی محسوب می گردند (عارفی، ۱۳۸۴، ص ۱۶۸).

رشد فزاینده ارتباطات اجتماعی در گستره جهانی، زمینه مناسبی را برای همکاریهای علمی بین المللی فراهم آورده است، تا بدانجا که امروزه تبادلات علمی-فرهنگی نقش بنیادینی در حیات اجتماعی ملل گوناگون ایفا می کند (شرقی، ۱۳۸۳، ص ۱۸۶)

ایجاد تسهیلات ارتباطی و تبادل استاد و دانشجو، همکاری و مساعدت در توسعه نظامهای ارتباطی، سرمایه گذاری مشترک برای دستیابی به یافته های تحقیقاتی، ایجاد ارتباط مشترک و شبکه ای میان دانشگاهها و ایجاد مرکز منطقه ای نیز تداوم همکاریهای بین المللی را هر چه بیشتر فراهم خواهد ساخت و می تواند به هماهنگی و رشد شتاب آموزش و پرورش در راستای تغییرات و پیشرفت های اقتصادی، صنعتی و سیاسی جوامع کمک بسزایی نماید. (شرقی، ۱۳۸۳، ص ۱۸۷)

توجه به این نکته نیز ضروری است که دانشگاهها اهداف ملی معینی نیز دنبال می نمایند و در واقع موسسات ملی هستند که برای انجام مقاصد ملی نیز ایجاد شده اند. گرچه با توجه به بین المللی شدن آموزش عالی بعضی دانشگاهها در برخی کشورها جنبه بین المللی دارند ولی به طور خاص در پی تحقق اهداف معین کشور میزبان نیستند و در واقع توجه به ابعاد بین المللی شدن آموزش عالی در نظامهای آموزش عالی کشورهای مختلف در راستای تحقق بخشیدن به اهداف ملی است (عارفی، ۱۳۸۴، ص ۱۶۹)

بدین ترتیب بین المللی شدن روش های تدریس و هماهنگی نظام های آموزش عالی دانشگاهی در راستای پدیده جهانی شدن و توسعه جوامع ملی در راستای حفظ هویت و توجه به زیر ساختهای فرهنگی می تواند گامی ارزنده در پیشرفت همه جانبه یک کشور نسبت به تغییرات سریع دنیای پیرامون محسوب گردد

#### اهداف و رسالت آموزش عالی

نقش آموزش عالی شامل تربیت نیروی انسانی متخصص مورد نیاز جامعه، ترویج و ارتقای دانش، گسترش تحقیق و فراهم نمودن زمینه مساعد برای توسعه کشور است. اهداف عمده نظام آموزش عالی در هر کشور را می توان بر چهار محور تصور کرد (احمدی دستجردی و انوری، ۱۳۸۳، ص ۵۳):

- ۱- کمک به تحقق اهداف اجتماعی از طریق فراهم آوردن برابری در فرصتهای آموزش عالی.
- ۲- برآوردن تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی متناسب با ویژگیها، انگیزه ها، انتظارات و تحصیلات افراد، پرورش تواناییهای بالقوه شهروندان و تسهیل فرایند یادگیری مستمر.
- ۳- پرورش نیروی انسانی متخصص مورد نیاز توسعه کشور و کمک به حل مسائل جامعه.
- ۴- پیشبرد مرزهای دانش و تولید دانش نو.

#### رسالتهای آموزش عالی در قرن حاضر عبارتند از:

- ۱- آموزش: آموزش عبارت است از ایجاد تحول مطلوب در دانشجویان. این تحول از طریق کسب دانش و شناخت مسائل جهان ممکن می شود. یکی از تحولات مطلوبی که انتظار می رود آموزش عالی پدید آورد، توسعه قدرت بیان و ارتباط گفتاری

و نوشتاری است. آشنایی با زبانهای خارجی می تواند چنین ارتباطی را مستحکم تر نماید. تحول مطلوب دیگر این است که افراد بتوانند از شرایط و اوضاع شخصی خود درک منطقی داشته باشند. رسالت عمده آموزش عالی ابتدا شناسایی و سپس توسعه کیفی ویژگیهای افراد می باشد. دانشگاه ها نه تنها آموزشهای عمومی با کاربرد وسیعی را ارائه می دهند، بلکه از طریق ایجاد تخصص و مهارت، برای مشاغل و حرفه های خاص، در تواناییهای توده های مردم تحول اساسی بوجود می آورند. از طرفی بنیادهای محکمی که دانشگاه در دانشجویان به وجود می آورد، می تواند به عنوان مبدأ برای آموزشهای تخصصی بعدی چه به صورت دوره های کوتاه مدت و چه به صورت آموزشهای ضمن خدمت به حساب آید(عمادزاده، ۱۳۷۷، صص ۱۶۷-۱۶۶).

۲- پژوهش: دومین وظیفه آموزش عالی، فعالیتهای پژوهشی است. آموزش عالی نقش اول را در امر پژوهش ایفا می کند و درصد قابل توجهی از فعالیتهای پژوهشی امروزه در دانشگاه انجام می شود. به هر حال دانشگاه بایستی در پژوهشهای بنیادی و کاربردی پیشرو بوده و سرمایه گذارهای قابل توجهی بنماید. (عمادزاده، صص ۱۷۳-۱۶۶).

۳- کمک به جریان توسعه: تعلیم و تربیت به ویژه تعلیمات عالی در فرایند توسعه نقشی مهم و کلیدی ایفا می کند. مشاهده کشورهای صنعتی نشان می دهد که آموزش عالی در این کشورها از لحاظ کمی و کیفی از موقعیت مطلوبی برخوردار است و آموزش عالی با انجام تحقیقات بنیادی و تولید دانش و هموار کردن راه صنعتی شدن به توسعه چنین جوامعی مدد رسانده است(محسن پور، ۱۳۸۱، صص ۱۸-۱۷).

۴- تربیت نیروی انسانی: طبق نظریه سرمایه انسانی تئودر شولتز، نیروی انسانی هر جامعه ای مهم ترین ثروت آن جامعه به شمار می رود. لذا برنامه ریزان و سیاستگذاران آموزشی هر جامعه ای تربیت نیروی انسانی متخصص را یکی از وظایف اصلی دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی قلمداد می کنند و انتظار دارند که آموزش عالی بتواند نیروهایی را تربیت کند که جوابگوی نیازهای جامعه باشد(مختاری پور، ۱۳۸۲، صص ۲۳-۲۲).

۵- تولید دانش: امروزه برای جوامعی که از مرز صنعتی شدن عبور کرده و وارد عصر فرا صنعتی شده اند، تولید دانش و اطلاعات علمی و مبادله و فروش آن نشانه توسعه می باشد. بر این اساس، جوامعی که بخواهند در شمار کشورهای پیشرو قرار گیرند، باید به سوی تولید دانش و اطلاعات فنی روی آورند. به علاوه دانش و اطلاعات فنی نیز محصول اندیشه خلاق و تلاش نیرو هایی است که در دانشگاه ها و مراکز علمی-پژوهشی سرگرم تحقیق هستند(محسن پور، ۱۳۸۱، صص ۲۰).

۶- رویارویی با چالشهای آینده: نظام آموزش عالی در کشورهای در حال توسعه باید خود را برای پاسخگویی با چالشهایی که با آنها روبه رو است، آماده سازد. برخی از این چالشها به این شرح هستند.

- فراهم آوردن فرصتهای آموزشی برای طالبان علم بر اساس شایستگی داوطلبان.

- بهبود مدیریت آموزش عالی با تأکید بر حفظ کیفیت.